ترجمان الاعاجم
مؤلف محمد بن ابوالقاسم لبابی خوارزمی

مجدداً فهرست شد
در جلد معانی

باز ... شد
۱۳۶۱۳خ/ ۱۲

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب ترجمان در لغات قرآن – فارسی

مصنف میر سید شریف جرجانی

مؤلف

خطی نسخ ۱۵ سطری

چاپی

سال طبع یا تحریر – عدد اوراق ۶۱

جزء کتب لغت شماره ۹

شماره عمومی ۳۶۵۲ شماره قبض

واقف رجبعلی تاریخ وقف ۱۰۳۷

طول ۱۷ عرض ۱۰ جلد تیماج قهوه‌ای

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد ...

۳۶۵۲م

دائره امور

فیلمخانه

آستان قدس رضوی

کتابخانه آستان قدس

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] رب العالمین [illegible] علی محمد و آله اجمعین

[illegible] الله و [illegible]

بسم الله [illegible] الرحمن [illegible]

[illegible] الحمد [illegible]

[illegible] رب [illegible]

[illegible] العالمین [illegible] المالک [illegible]

الملک [illegible] و الملک [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] روز [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] نستعین [illegible] العبادة [illegible]

نستعین یاری خواهیم الاستعانة یاری خواستن

[illegible] مارا الهدایة راه نمودن الصراط

[illegible] المستقیم راست الاستقامة [illegible] استادن

[illegible] الذین آنانکه انعمت [illegible] کردی الانعام

[illegible] دادن علی [illegible] علیهم [illegible]

المغضوب [illegible] الضالین [illegible]

[illegible]

کتابخانه آستان قدس

غضب خشم کردن [illegible] الضلال والضلالة

بیراه شدن آمین [illegible] و القضیة [illegible] الناس

قل بگو تو مرد القول گفتن العوذ پناه گرفتن اعوذ

پناه گیرم الانسان مردم الناس والاناس الانس

الاناسی جمع من وعن از فمن للاتصال وعن للانفصال

الشر بدی الوسواس دیو وسوسه کننده یوسوس

وسوسه کند الخناس واپس خزنده الخنوس واپس

خزیدن فی در الصدور سینه الصدر الجنة والجن

پریان والجنة دیوانگی الفلق

روشنی صبح [illegible] ما خلق آنچه آفرید الخلق آفریدن و دروغ گفتن و اندازه کردن الغاسق تاریکی

شب الغسوق تاریک شدن شب اذا آنگاه اذا چون وقب

درآمد الوقوب درآمدن تا دیکی النفاثات زنان دمنده

النفث دردمیدن افسون کر العقد گرهها

العقد [illegible] العقد بستن [illegible] حاسد

[illegible] کتابخانه [illegible] آستان قدس [illegible]
بتاریخ ۱۰ شهر [illegible] ۱۳۴۴
[illegible] ۵۵ [illegible]

ن وزن الّتی لک هذا از کی آمد ترا این التوقع اشارت کردن
الاقلام تیرهای بی پرکه بدان قرعه زنند رسولا رسالة حصاد
کالقعول والولوج الادهاد ذخیره نهادن الابتهال بزاری
دعا کردن ها انتم هؤلاء اینکه شما کروه مردان الحکم
حکمت اصری عهدی عهد نخ بکة جایگاه خانه کعبه لان ای اجتماع
ببک بعضهم بعضا عند الزیارة ای یدفع مقام ابرهیم سنگی است
برای نشان قدم او الحفرة خندق الحفر چاه کندن الاعتصام
سپید شدن الانملة سر انکشت الانامل جمع بذر نام جایگاهیست
میان مکه و مدینه وکویند نام چاهیست آنجا من فورهم از
جوشیدن ایشان از خشم فی السراء والضراء در فراخی و تنگی
الاعلی الاغلب القرح خسته کردن والقرح الاسم وقیل
هما واحد وقرح شئ وعناء المداولة کردانیدن روز
کار التمحیص از کناه کردانیدن ومنه المحص ای الخالص
از هیره وکذلک الاوتار المحق نیست کردن وبکاستن
ومنه محاق القمر ربیون خدای ترسان وقیل الربی منسوب
الی الربة وهی الجماعة المربوبة فی العزة الحس القتل
الذریع الاصعاد فرو شدن فی البلاد والصعود بر شدن
فی

فی الجبل الامها ن بردن غرقی غار بان کرانکه ورا
اللفظ درشت خوی وهو علی التشبیه باللفظ الذی هو ماء
الکرش ان یغل که نسبت کرده شود بخیانت الغلول
خیانت کردن و بدزدیدن چیزی از غنیمت التطوق
طوق در کردن کسی افکندن الزحزحة دور کردن صابروا
صبر کنید در جنگ با دشمنان رابطوا بپیوسته جهاد کنید
البقرة ذلک الکتاب ای هذا تحدثهم وهو کذا رد
ایشان نوا رنج سود کردیم ربحا الصیب باران فعیل
الصوب کالمیت من الموت البعوضة پشه کانه بعض
البق الشلک جوی ریختن الفعل نره اسم جنس
القثاء خیار الفوم کندم وکویند سیر العدس مجوع
المصلابیا الفارض سرکا والعوان میانه صفرا فاقع
لونها زردی زرد رنگ او مسلمة سلامت داده از
عیبها لا شیة نشانی خلاف رنگ تن وقیل الاشیة
لا وضح الاشراب آمیختن بابل هاروت وماروت دو
فرشته اند در چاه بابل آویخته اسلم خالص کرد حقا
مرحقا رغب عنه رغبت نکردانید ازو ومن یرغب

نزدیک شمردن ... صبغة الله دین

الاغراء و ... بزرگواران الوساطة بزرگوار شدن

منقطع مسوی او و الكل و جبهة مرقوم را قبله ایست

الصفا والمروة دو کوه است بمکه الاعتمار عمره کردن و

زیارت کردن التطوع حجری کردن که نه فریضه بود و نه سنت

التعقیق یانک بریدن بر گوسفند الاطاقة توانستن الوقت

المجامعة المباشرة مرزن نزدیکی کردن و اصلها تماس

البشرة البشرة و تدلوا لا تدلوا رشوت مدهید الاهلة

ماه نو الاهلة ... الحجة الحج واجب نگاه داشتن ان

... بالعمرة پس هر که بروزه یا قربان از حج بیرون

اشهر معلومات یعنی شوال و ذو القعده و ده روز

الترود توشه برگرفتن الزاد توشه و اصله زود

عرفات انجاست که حج کنند المشعر الحرام مزدلفة القوة

همت جاهلیت العفو زیادتی مال الاعنات در

کاری دشوار افکندن غصه لا ممانکم بهانه سوگندهای شما را

بلاء سوگند خوردن القرة پاکی ز حج الحول سال

سال ۱۲۴۸ ...